

مقدمه

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که ارزش‌های مذهبی پیش‌بینی‌کننده موفقیت زناشویی و تداوم ازدواج‌اند و به زندگی افراد اصول و هدف می‌دهند (Dollahite & Lambert, 2007; Goodman & Dollahite, 2006). ارزش‌های مذهبی می‌توانند در زندگی زناشویی معنایی محوری برای ازدواج باشند (Mahoney et al, 2003). به سبب داشتن ارزش‌های مذهبی، زوج‌ها اغلب به سوی «مقدس کردن» ازدواجشان پیش می‌روند و آن را به صورت کیفی از همه رابطه‌های دنیوی جدا در نظر می‌گیرند (Pargament & Mahoney, 2005). هنگام ازدواج، زوج‌ها می‌توانند از ارزش‌های مذهبی به مثابه «محفظه‌ای امن» در تعارضات زناشویی استفاده کنند (Lambert & Dollahite, 2006). اغلب زوج‌هایی که ارزش‌های مذهبی مشترک دارند، به تعارضاتشان روشن‌تر نگاه کرده، می‌توانند به طور متقابل مشکلاتی را که در رابطه زناشوی‌شان به وجود می‌آید، برطرف سازند. همچنین، ارزش‌های مذهبی می‌توانند باعث شوند زوج‌ها مذهب را به منزله نقشه مسیره‌های زناشویی بدان‌اند، مذهب نیز آنان را در روابط جنسی، نقش‌های جنسیتی و فداکاری در ازدواج راهنمایی می‌کند (Mahoney et al, 2003). در اسلام نیز مباحث بسیاری درباره ارزش‌شناسی دینی ازدواج وجود دارد، به طوری که بسیاری از آیات قرآن به طور مستقیم درباره جنبه‌های مختلف ازدواج نکاتی را بیان داشته‌اند. خداوند در قرآن ازدواج را مایه آرامش انسان می‌داند (روم: ۲۱)، زن و شوهر را به گذشت و حل اختلافاتشان سفارش می‌کند (نساء: ۱۹ و ۱۲۸) و طلاق را آخرین گزینه می‌داند (نساء: ۳۵؛ بقره: ۲۳۱).

ارزش‌های مذهبی با تعهدات اخلاقی پیش از ازدواج و ملاک‌های انتخاب همسر ارتباط دارد. برخی مطالعات نشان می‌دهند که در تصمیم‌گیری برای ازدواج، زمانی که ارزش‌های مذهبی زوج‌ها متقابل باشند، زنان اغلب با اشتراک‌گذاری ایمان و باورهایشان مردان را برای ازدواج پیش‌گام می‌کنند (Hui et al, 2007). از جمله مهم‌ترین ملاک‌ها برای انتخاب همسر برای بسیاری از زوج‌ها داشتن اشتراکات مذهبی است (رضاپور، ۱۳۹۲، ص ۱۴۳). ارزش‌های مذهبی سبب می‌شود افراد از داشتن روابط غیررسمی پیش از ازدواج بپرهیزند. نتایج مطالعه‌ای نشان داد که ارزش‌های مذهبی با روابط پیش از ازدواج رابطه منفی و با تعهد پس از ازدواج رابطه مثبت معنادار دارد (Thornton et al, 1992). مطالعات دیگری نیز نشان می‌دهند زوجینی که قبل از ازدواج ارتباط دیگری نیز داشته‌اند، در مقایسه با زوج‌های دیگر تعهد پایین‌تر و میزان طلاق بالاتری داشتند؛ گرایش‌های مذهبی می‌تواند این مسئله را کاهش دهد (Booth & Johnson, 1988; Thompson & Colella, 1992).

شواهد تجربی فراوانی نشان می‌دهند که ارزش‌های مذهبی بر دیدگاه زوج‌ها درباره اهداف ازدواج اثر می‌گذارد؛ به این دلیل می‌تواند بر میزان توافقی که هر یک از زوج‌ها بر موضوعات خاص دارند نیز اثر بگذارد (Mahoney, 2005). برای نمونه اعضای فرهنگ‌های محافظه کار، میانه‌رو و لیبرال مسیحیت نگرش‌های متفاوتی

اثربخشی آموزه‌های مبتنی بر ارزش‌شناسی اسلامی در افزایش رضایت زناشویی زنان متأهل

yrezapoor@yahoo.com

masemesmail@yahoo.com

kiiumars@yahoo.com

saeed.zokaeei@yahoo.com

✦ یاسر رضاپور میرصالح / استادیار گروه مشاوره دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه ادرکان

معصومه اسمعیلی / دانشیار گروه مشاوره دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی

کیومرث فرحبخش / استادیار گروه مشاوره دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی

محمد سعیدکایی / استادیار گروه پژوهشکده اجتماعی دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی

دریافت: ۱۳۹۲/۱/۱۹ - پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۲۳

چکیده

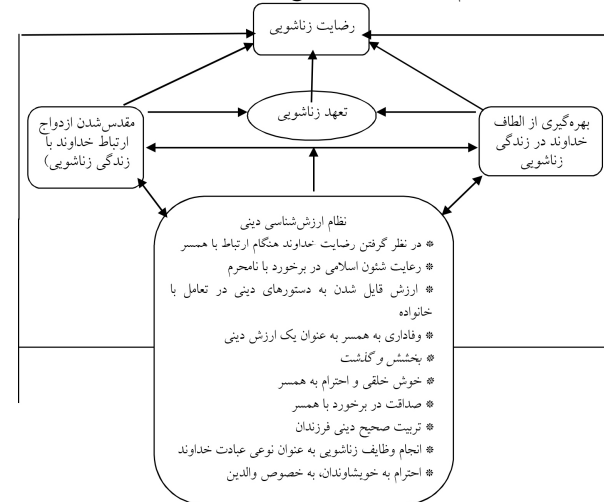
هدف کلی نوشتار حاضر تعیین اثربخشی آموزه‌های مبتنی بر ارزش‌شناسی اسلامی بر افزایش رضایت زناشویی زنان متأهل است. جامعه پژوهش پیش رو را همه مراجعان مرکز مشاوره «باب الحوائج» شهرستان میبد تشکیل می‌دادند که از میان آنان ۲۴ نفر به صورت تصادفی انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل (دوازده نفر در هر گروه) جای‌گزین شدند. این پژوهش از نوع مطالعات نیمه‌تجربی پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل و پیگیری است. به شرکت‌کنندگان گروه آزمایش هر هفته دو جلسه نود دقیقه‌ای (به مدت ده جلسه) آموزه‌های مبتنی بر ارزش‌شناسی اسلامی در زندگی زناشویی داده شد؛ به شرکت‌کنندگان گروه کنترل هیچ‌گونه آموزشی ارائه نشد. هر دو گروه یک‌بار پیش از انجام آزمایش، یک‌بار بلافاصله پس از پایان آزمایش و بار دیگر یک ماه پس از انجام مداخلات، فرم کوتاه آزمون رضایت زناشویی «انریچ» را تکمیل کردند. سرانجام، داده‌های جمع‌آوری شده به کمک تحلیل «کوواریانس چندمتغیره» (مانکوا) تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که آموزه‌های ارزش‌شناسی اسلامی بر افزایش رضایت زناشویی شرکت‌کنندگان گروه آزمایش تأثیر معناداری داشت و این افزایش در مرحله پیگیری نیز حفظ شده بود. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که ارائه آموزه‌های مذهبی مبتنی بر ارزش‌شناسی اسلامی شیوه مناسبی برای افزایش رضایت زناشویی زوج‌هاست، البته باید دقت داشت که افراد، تحت تأثیر برداشت‌های فردی خود از ارزش‌شناسی اسلامی قرار نگیرند.

کلیدواژه‌ها: اثربخشی، ارزش‌شناسی اسلامی، رضایت زناشویی.

را درباره نقش‌های جنسی، سقط جنین، هم‌جنس‌گرایی و روابط فرا زناشویی دارند (Gay et al, 1996). گرایش‌های فرقه‌ای مسیحیت یا مسیحیان محافظه‌کار، درباره شرکت زنان در مقام نیروی کار (Sherkat, 2000)، تخصیص کارهای خانه و قدرت‌خانه داری (Ellison & Bartkowski, 2002) و میزان باروری مؤثر (Mosher et al, 1992) دیدگاهی محدود دارند. همچنین ارزش‌های مذهبی پیش‌بینی‌کننده برتری مدل «رسومی» ازدواجی است که بر فداکاری فردی و تعهد کامل به ازدواج تأکید می‌کند، تا مدلی «قراردادی» ازدواج که مشخصه آن مذاکره میان زوج‌ها و تقدم نیازهای افراد بر قید و بندهای زناشویی است (Sanchez et al, 2002). از بیشترین شاهدهای مستقیم که نشان از تأثیر ارزش‌های مذهبی بر دیدگاه زوجین درباره ازدواج دارد، این است که افرادی که ارزش‌های مذهبی بیشتری دارند، به احتمال فراوان ازدواجشان را به مثابه رابطه‌ای با کیفیت معنوی (برای مثال، مبارک، مقدس) می‌دانند و معتقدند که خداوند ازدواج آنان را حفظ می‌کند (Mahoney et al, 1999).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مذهب اثری مستقیم بر تعهد زناشویی و وفاداری جنسی می‌گذارد (Goodman & Dollahite, 2006). لارسون و گولتز دریافته‌اند که ارزش‌های مذهبی پیش‌بینی‌کننده عمده تعهدهای زناشویی‌اند. آنان نتیجه گرفتند که ممکن است یکی از دلایل این موضوع این باشد که ترک رابطه زناشویی هنگام داشتن تعهد و ارزش‌های مذهبی سخت‌تر است؛ زیرا ارزش‌های مذهبی مخالف طلاق است و از حفظ رابطه حمایت می‌کند. آنان استدلال کردند که احتمالاً تأکید مذهب بر اهمیت ازدواج ممکن است یکی از دلایلی باشد که زوج‌هایی که ارزش‌های مذهبی دارند، تجربه بیشتری از تعهد در ازدواجشان داشته باشند (Larson & Goltz, 1989). با وجود این، تفاوت در ارزش‌های مذهبی زن و شوهر و نیز انعطاف‌ناپذیر بودن ارزش‌های مذهبی یکی از زوج‌ها می‌تواند به افزایش تعارضات زناشویی بینجامد (Mahoney, 2005).

شکل (۱) نقش نظام ارزش‌شناسی مذهبی زوج‌ها بر زندگی زناشویی (رضاپور، ۱۳۹۲)



علی‌رغم اینکه مطالعات فراوانی ارتباط میان ارزش‌های مذهبی و پیامدهای مثبت زناشویی را نشان می‌دهند، اما ماهیت این ارزش‌ها در هر مذهب و فرآیندهایی که با آن، ارزش‌های مذهبی بر زندگی زناشویی اثر می‌گذارند، هنوز مشخص نشده است (Goodman and Dollahite, 2006). همچنین برنامه‌های مدون مداخله‌ای برای افزایش پیامدهای مثبت زناشویی براساس ارزش‌های مذهبی طراحی نشده‌اند و بیشتر مطالعات از تعالیم عمومی مذهبی، برای مثال، تلفیقی از اعمال و باورها و ارزش‌های مذهبی و غیره، در برنامه‌های مداخله‌ای خود استفاده می‌کنند (منجزی و همکاران، ۱۳۹۱؛ حمید و همکاران، ۱۳۹۱؛ زاده‌وش و همکاران، ۱۳۹۰)، که البته یکی از دلایل آن می‌تواند محدود بودن مطالعات کیفی ارزش‌شناسی مذهبی در زندگی زناشویی باشد (رضاپور، ۱۳۹۲). رضاپور (۱۳۹۲) یکی از محدود مطالعات کیفی را با هدف ارزیابی نظام ارزش‌شناسی اسلامی زوج‌های مذهبی انجام داد که از سازگاری زناشویی بالایی بهره‌مند بودند. نتایج مطالعه وی نشان داد که نظام ارزش‌شناسی اسلامی زوج‌ها شامل ارزش‌های مذهبی خاصی می‌شود که با ادراک آنان از مقدس بودن ازدواجشان و ادراک آنان از برخورداری از رحمت خداوند در زندگی زناشویی ارتباط متقابل دارد و هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیرمستقیم با افزایش تعهد زناشویی زن و شوهر به یکدیگر، منجر به افزایش رضایت زناشویی آنان می‌شود. وی نظام ارزش‌شناسی مذهبی زوج‌های شرکت‌کننده در پژوهش و پیامدهای زناشویی آن را به‌صورت یک مدل مفهومی نشان داد که در شکل (۱) آورده شده است.

همان‌طور که در مدل مفهومی ارائه شده مشاهده می‌شود، ارزش‌های دینی نقشی مهم در زندگی زناشویی زوج‌ها دارند و تقویت برخی ارزش‌ها می‌تواند پیامدهای مثبتی را در زندگی زناشویی همراه داشته باشد. با توجه به محدود بودن مطالعاتی که به‌طور اختصاصی ارزش‌های مذهبی زوجین را ارزیابی می‌کند، و نیز نقش ارزش‌های مذهبی در زندگی زناشویی، ضرورت طراحی و ارزیابی برنامه‌های مداخله‌ای که براساس نظام ارزش‌شناسی مذهبی تنظیم شوند، آشکار می‌شود. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن ضرورت این موضوع، به بررسی تأثیر آموزه‌های مبتنی بر ارزش‌شناسی اسلامی براساس طرح درمانی ارائه شده در مطالعه رضاپور، (۱۳۹۲) بر افزایش رضایت زناشویی زنان مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره خیریه «باب الحوائج» شهرستان میبد می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا آموزه‌های ارزش‌شناسی اسلامی بر افزایش رضایت زناشویی زنان متأهل مؤثر است؟

روش تحقیق

طرح پژوهش پیش‌رو از نوع طرح‌های نیمه‌تجربی، پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل همراه با پیگیری است. پس از تقسیم تصادفی آزمودنی‌های شرکت‌کننده در پژوهش حاضر در گروه آزمایش و

کنترل، طرح درمانی مبتنی بر آموزه‌های ارزش‌شناسی اسلامی در ده جلسهٔ نود دقیقه‌ای (هفته‌ای دو جلسه) به شرکت‌کنندگان گروه آزمایش ارائه شد و در گروه کنترل هیچ‌گونه مداخله‌ای صورت نگرفت. هر دو گروه یک‌بار پیش از مداخله آزمایشی و دوبار پس از مداخله (یک‌بار به محض پایان مداخلات و یک‌بار یک ماه پس از پایان جلسات) آزمون رضایت زناشویی «انریچ» را تکمیل کردند. نتایج با استفاده از آزمون «کوواریانس چندمتغیره» (مانکوا) تجزیه و تحلیل شد. شرح جلسات در ادامه آورده خواهد شد.

ساختار جلسات آموزه‌های مبتنی بر ارزش‌شناسی اسلامی در زندگی زناشویی (رضاپور، ۱۳۹۲)

جلسهٔ اول: ارزش‌شناسی اسلامی معارف اعضای گروه و بیان قوانین گروهی؛ تعریف و ارائه توضیحاتی دربارهٔ تعارض‌ها و رضایت زناشویی؛ آشنایی با مفهوم ارزش‌شناسی و نقش آن در شکل‌گیری باورها و رفتارها؛ بررسی نقش دین در ارزش‌شناسی افراد و تعریف مفهوم ارزش‌شناسی اسلامی؛ بحث و نتیجه‌گیری از جلسه و ارائهٔ تکلیف برای شناسایی نوع ارزش‌شناسی خود.
جلسهٔ دوم: ازدواج به عنوان یک ارزش اسلامی ارائهٔ گزارش از تکلیف جلسهٔ قبل و دادن بازخورد؛ بحث دربارهٔ ازدواج به عنوان یک ارزش اسلامی که از طرف خداوند تعیین شده است؛ بررسی دلایل و اهمیت ازدواج در اسلام به عنوان یک ارزش؛ بررسی اهداف ازدواج در اسلام و پیامدهای ارزشی آن؛ بحث پیرامون احادیث و روایات دربارهٔ ازدواج و نقش آن در حفظ ارزش‌ها، نتیجه‌گیری از جلسه و ارائهٔ تکلیف در جهت شناسایی ارزش‌های مقدس ازدواج و پیامدهای ارزشی ازدواج.
جلسهٔ سوم: نظام ارزش‌شناسی دینی در ارتباط با همسر ارائهٔ گزارش از تکلیف جلسهٔ قبل و دادن بازخورد؛ بحث دربارهٔ در نظر گرفتن ارتباط مناسب با همسر به عنوان یک ارزش دینی و توجه به حضور و رضایت خداوند در هنگام ارتباط با همسر؛ بررسی ارزش دینی صداقت و راستگویی در برخورد با همسر و پیامدهای آن در رابطهٔ زناشویی؛ دربارهٔ خوش‌حلقی و احترام به همسر به عنوان یک ارزش توصیه‌شده دینی و دلایل و پیامدهای ارزشی بودن این موضوع؛ مروری بر آیات و روایات دربارهٔ ارتباط با همسر؛ نتیجه‌گیری از جلسه و ارائهٔ تکلیف در جهت مشخص کردن ارزش‌های دینی دربارهٔ ارتباط با همسر.
جلسهٔ چهارم: بخشش و گذشت به عنوان یک ارزش دینی ارائهٔ گزارش از تکلیف جلسهٔ قبل و دادن بازخورد؛ مروری بر ارزش‌گذاری بر بخشش و گذشت و نکوش خشم و انتقام در آموزه‌های دینی، بررسی نقش گذشت در فروکش کردن تعارضات زناشویی و حل آنها؛ بررسی عوامل مؤثر بر بخشش و نقش آموزه‌های دینی بر بخشودگی و گذشت؛ مروری بر آیات و احادیث دربارهٔ فرو بردن خشم و بخشش؛ نتیجه‌گیری از جلسه و ارائهٔ تکلیف برای تمرین بخشودگی مذهبی در هنگام مواجهه با تعارضات زناشویی.
جلسهٔ پنجم: وفاداری به همسر و اصول ارتباط با نامحرم ارائهٔ گزارش از تکلیف جلسهٔ قبل و دادن بازخورد؛ بحث دربارهٔ ارزش‌های دینی در برخورد با نامحرم و نقش آن در ارتباط با همسر؛ بررسی نقش حجاب و عفاف در امنیت رابطهٔ زناشویی، بحث دربارهٔ تعهد و وفاداری به پیمان زناشویی به عنوان یک ارزش دینی و خیانت زناشویی به عنوان یک گناه کبیره؛ بررسی تأثیر حجب و حیا و ارزش‌های دینی در ارتباط با نامحرم در اعتماد زن و شوهر به یکدیگر و افزایش صمیمیت؛ مروری بر آیات و احادیث دربارهٔ وفاداری، حجاب، حیا و برخورد با نامحرم؛ نتیجه‌گیری از جلسه و ارائهٔ تکلیف برای مشخص کردن و رعایت اصول دینی در برخورد با نامحرم.
جلسهٔ ششم: ارزش‌های دینی در تعامل با خانواده و تربیت فرزندان ارائهٔ گزارش از تکلیف جلسهٔ قبل و دادن بازخورد؛ تأکید بر اهمیت تربیت دینی فرزندان و نقش آن در زندگی آنها؛ بحث دربارهٔ ارزش‌های دینی توصیه‌شده در تعامل با اعضای خانواده؛ مروری بر ارزش‌های دینی دربارهٔ رعایت کردن مرزهای خانوادگی و پیروی از نظام سلسله‌مراتبی ساختار خانواده؛ همانگی والدین در تربیت و انضباط دینی فرزندان؛ بررسی اهمیت تأکید بر ارزش‌های دینی هنگام ازدواج فرزندان، مروری بر احادیث و روایات دربارهٔ نحوهٔ تعامل پدر و مادر با یکدیگر و فرزندان و تربیت دینی آنان؛ نتیجه‌گیری از جلسه و ارائهٔ تکلیف برای مشخص کردن و رعایت اصول دینی در تعامل با خانواده و فرزندان.
جلسهٔ هفتم: ارزش‌گذاری بر وظایف زناشویی به عنوان نوعی عبادت ارائهٔ گزارش از تکلیف جلسهٔ قبل و دادن بازخورد؛ تأکید بر نقش خانواده مذهبی در رشد صحیح جامعه؛ تأکید بر تلاش‌ها و ارزش‌های مبتنی بر حفظ و رشد خانواده مذهبی به عنوان نوعی جهاد و عبادت در راه خداوند؛ بحث دربارهٔ ارزش انجام وظایف زناشویی و رضایت همسر به عنوان ارزشی به مثابهٔ عبادت با خداوند؛ مروری بر احادیث در این زمینه؛ نتیجه‌گیری از جلسه و ارائهٔ تکلیف برای ارزش‌گذاری بر وظایف زناشویی به عنوان شیوه‌ای برای عبادت و نزدیک شدن به خداوند.

جلسهٔ هشتم: ارزش‌گذاری به ارتباط با والدین و خویشاوندان ارائهٔ گزارش از تکلیف جلسهٔ قبل و دادن بازخورد؛ بحث دربارهٔ صلۀ رحم، ارتباط و احترام به والدین به عنوان ارزش‌های توصیه‌شدهٔ دینی و نقش آنها در زندگی زناشویی افراد؛ بررسی نقش ارتباط و احترام با والدین و خویشاوندان همسر در رضایت همسر و صمیمیت زناشویی؛ مروری بر احادیث و روایات دربارهٔ صلۀ رحم و ارتباط و احترام به والدین؛ نتیجه‌گیری از جلسه و ارائهٔ تکلیف برای مشخص کردن و عمل به ارزش‌های دینی در ارتباط با والدین و خویشاوندان.
جلسهٔ نهم: نظام ارزش‌های دینی و پیامدهای زناشویی ارائهٔ گزارش از تکلیف جلسهٔ قبل و دادن بازخورد؛ بحث دربارهٔ ارتباط بین پابندی به ارزش‌شناسی دینی در زندگی زناشویی و مقدس شدن ازدواج و بهره‌گیری از الطاف الهی در زندگی؛ بررسی ارتباط نظام ارزش‌شناسی دینی با تمهدات افراد به جنبه‌های مختلف زندگی زناشویی‌شان؛ تأکید بر ارزش‌شناسی افراد متعهد و تعهدشناسی افراد ارزشی؛ نتیجه‌گیری از جلسه و ارائهٔ تکلیف برای مشخص کردن پیامدهای زناشویی ناشی از ارزش‌شناسی مذهبی.
جلسهٔ دهم: نتیجه‌گیری و پایان گروه ارائهٔ گزارش از تکلیف جلسهٔ قبل و دادن بازخورد؛ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مباحث مطرح‌شده در کل جلسات؛ مرور کلی بر نقش نظام ارزش‌شناسی اسلامی در زندگی زناشویی و مقایسهٔ آن با کم‌اهمیت شدن ارزش‌شناسی دینی در جوامع غربی و تزلزل پایه‌های زندگی زناشویی به عنوان پیامدهای آن؛ پاسخدهی به سؤالات باقی مانده اعضا؛ و پایان گروه با مرور قوانین پایان گروه.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعهٔ پژوهش حاضر شامل همهٔ مراجعان زنی است که به مرکز مشاوره خیریهٔ «باب‌الحوائج» (وابسته به اداره بهزیستی) شهرستان میبد مراجعه کرده بودند و از میان آنان ۲۴ نفر به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. رضایت هریک از مراجعان برای شرکت در پژوهش جلب شد و افرادی که برای شرکت در پژوهش رضایت یا آمادگی نداشتند به شیوهٔ تصادفی جای‌گزین شدند. در مرحلهٔ بعد، آزمودنی‌های انتخاب شده به شیوهٔ تصادفی در گروه کنترل و آزمایش (هر گروه دوازده نفر) جای‌گزین شدند. به شرکت‌کنندگان گروه کنترل اطمینان داده شد که برنامهٔ آموزشی پس از انجام آزمایش برای آنان نیز ارائه خواهد شد.

ابزار پژوهش

در پژوهش حاضر از فرم کوتاه (۴۷ سؤالی)، پرسشنامهٔ رضایت زناشویی «انریچ» (ENRICH-47) استفاده شد. این پرسشنامه ۴۷ گویه دارد و ابزاری معتبر برای ارزیابی رضایت زناشویی شمرده می‌شود (ثنایی، ۱۳۷۹). این پرسشنامه از دوازده خرده‌مقیاس تشکیل شده که در مقیاسی پنج‌درجه‌ای «لیکرت» (از یک، کاملاً مخالفم تا پنج، کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شوند. ضریب آلفای خرده‌مقیاس‌های «انریچ» در چندین مطالعهٔ مختلف از ۶۸ درصد (برای نقش‌های مساوات‌طلبی) تا ۸۶ درصد (برای رضایت زناشویی) با میانگین ۷۹ درصد بود (ثنایی، ۱۳۷۹). ضریب هم‌بستگی این پرسشنامه با مقیاس رضایت خانوادگی از ۴۱ درصد تا ۶۰ درصد و با مقیاس رضایت از زندگی از ۳۲ درصد تا ۴۱ درصد بود که نشانهٔ روایی هم‌گرایی مطلوب آن است (ثنایی، ۱۳۷۹). همهٔ خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه «انریچ» زوج‌های راضی و ناراضی را از یکدیگر متمایز می‌کرد که نشان‌دهندهٔ روایی و اگرایی خوب این مقیاس بود (ثنایی، ۱۳۷۹).

نتایج

میانگین سنی آزمودنی‌های شرکت‌کننده در پژوهش حاضر $32/71 \pm 4/91$ بود و حداقل دو سال از زندگی زناشویی آنان می‌گذشت. از میان آنان دو نفر به صورت تمام‌وقت و هفت نفر به صورت نیمه‌وقت شاغل و مابقی خانه‌دار بودند. میانگین طول ازدواج آنان نیز $3/98 \pm 8/51$ سال بود. جدول (۱) میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌های گروه کنترل و آزمایش را در مقیاس رضایت زناشویی به تفکیک پیش‌آزمون، پس‌آزمون و آزمون پیگیری به تفکیک گروه آزمایش و کنترل نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، میانگین نمرات آزمودنی‌های گروه آزمایش در پس‌آزمون و آزمون پیگیری بیش از نمرات آنان در پیش‌آزمون و بیشتر از میانگین نمره‌های آزمودنی‌های گروه آزمایش در سه مرحله آزمون است.

جدول (۱): میانگین و انحراف استاندارد رضایت زناشویی به تفکیک گروه کنترل و آزمایش و مراحل انجام آزمون

گروه	تعداد	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		آزمون پیگیری
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	
آزمایش	۱۲	۱۳۸/۳۳	۸/۰۶	۱۷۸/۰۸	۷/۶۹	۱۰۳/۳۹
کنترل	۱۲	۱۳۸/۹۲	۶/۹۱	۱۳۹/۵۸	۷/۴۳	۸/۵۰

برای آزمون فرضیه پژوهش حاضر از آزمون تحلیل «کوواریانس چندمتغیره» (مانکوا) استفاده شد. یکی از پیش‌فرض‌های این آزمون، همسانی واریانس‌های نمرات متغیر وابسته در گروه‌های آزمایش و کنترل است. برای ارزیابی همسانی واریانس‌ها از آزمون لون استفاده شد که جدول (۲) نتایج آن را نشان می‌دهد.

جدول (۲): آزمون همگنی واریانس‌های لون در گروه آزمایش و کنترل به تفکیک سه مرحله آزمون

مرحله آزمون	F	df1	df2	سطح معناداری (p)
پیش‌آزمون	۰/۰۸	۱	۲۲	۰/۸۸
پس‌آزمون	۰/۰۲	۱	۲۲	۰/۹۶
آزمون پیگیری	۱/۰۶	۱	۲۲	۰/۳۱

همان‌طور که جدول (۲) نشان می‌دهد، نتایج آزمون «لون» در هر سه مرحله اجرای آزمون غیرمعنادار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که واریانس نمرات رضایت زناشویی در گروه‌های آزمایش و کنترل در هر سه مرحله آزمون همسان است. البته مقدار آزمون «باکس» (Box) نیز که در نرم‌افزار آماری همراه آزمون «مانکوا» انجام می‌شود برابر $F=0/79$ و غیرمعنادار ($p=0/89$) بود که نشان‌دهنده تأیید پیش‌فرض همسانی واریانس در گروه‌ها است.

جدول (۳): نتایج تحلیل «مانکوا» نمرات پس‌آزمون و آزمون پیگیری رضایت زناشویی با کنترل نمرات پیش‌آزمون

نام آزمون	مقدار	F	df فرضیه	df خطا	سطح معناداری
اثر پیلاپی	۰/۹۶	۲۵۸/۶۹	۲	۲۰	۰/۰۰۱
لامبدای ویلکز	۰/۰۴	۲۵۸/۶۹	۲	۲۰	۰/۰۰۱
اثر هتلینگ	۲۵/۸۶	۲۵۸/۶۹	۲	۲۰	۰/۰۰۱
بزرگترین ریشه روی	۲۵/۸۶	۲۵۸/۶۹	۲	۲۰	۰/۰۰۱

جدول (۳) نتایج حاصل از تحلیل «مانکوا» بر میانگین‌های پس‌آزمون و آزمون پیگیری با کنترل پیش‌آزمون را نشان می‌دهد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، مقدار F معنادار بوده و می‌توان نتیجه گرفت که میان دو گروه از لحاظ رضایت زناشویی تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین برای نشان دادن تفاوت میان دو گروه در مراحل انجام آزمون، از تحلیل «کوواریانس» در متن «مانکوا» استفاده شد که جدول (۴) نتایج آن را نشان می‌دهد.

جدول (۴): نتایج تحلیل «کوواریانس» در متن «مانکوا» برای ارزیابی اثر عضویت گروهی بر افزایش رضایت زناشویی

شاخص‌های آماری	مجموع مجذورات آزادی	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	معناداری P	ضرب اثر	توان مشاهده
							شده
پس‌آزمون	۹۰۳/۴۵	۱	۹۰۳/۴۵	۵۳/۵۳	۰/۰۰۱	۰/۷۲	۰/۸۹
پیگیری	۹۱۹/۸۸	۱	۹۱۹/۸۸	۱۸/۱۶	۰/۰۰۱	۰/۴۶	۰/۹۰
پس‌آزمون	۹۱۱۰/۰۶	۱	۹۱۱۰/۰۶	۸۳۹/۸۳	۰/۰۰۱	۰/۹۶	۱/۰۰
پیگیری	۸۲۷۵/۶۶	۱	۸۲۷۵/۶۶	۱۶۳/۴۲	۰/۰۰۱	۰/۸۷	۱/۰۰

همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقدار F معنادار بوده و می‌توان نتیجه گرفت که ارائه آموزه‌های ارزش‌شناسی اسلامی به گروه آزمایش منجر به افزایش معنادار نمره آنان در رضایت زناشویی شده و این افزایش در پس‌آزمون نیز حفظ شده است.

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ارائه آموزه‌های مبتنی بر ارزش‌شناسی اسلامی سبب افزایش رضایت زناشویی زنان متأهل می‌شود. این یافته با نتایج مطالعات دیگر همسو بود (Wilcox, 2007; Dollahite&Lambert, 2007; Mahoney et al, 2003; Wade&DeLamater, 2002; Treas&Giesen, 2002). نمونه شرکت‌کننده در این مطالعات عمدتاً شامل زوج‌های مسیحی می‌شد. در ایران، مطالعاتی که با مسلمانان انجام شده‌اند نیز نشان می‌دهند به‌طور کلی آموزه‌های مذهبی منجر به آثار مثبتی بر جنبه‌های مختلف زندگی زناشویی می‌شود (منجری و همکاران، ۱۳۹۱؛ حمید و همکاران، ۱۳۹۱؛ زادهوش و همکاران، ۱۳۹۰؛ فقیهی و رفیعی مقدم، ۱۳۸۸). این مطالعات تأثیر ارزش‌شناسی مذهبی را به‌طور جداگانه بررسی نکرده است؛ اما به دلیل اینکه ارزش‌شناسی جزئی از آموزه‌های کلی مذهبی است، می‌توان گفت نتایج این مطالعات با یافته‌های پژوهش حاضر همسوست.

مطالعات نشان می‌دهند که ارزش‌های مذهبی منجر به تعهد زناشویی بیشتری می‌شود (Wade&DeLamater, 2002; Kraaykamp, 2002). ارتباط منفی میان ارزش‌های مذهبی و خیانت زناشویی نشان می‌دهد که ارزش‌های مذهبی رابطه جنسی فرا زناشویی را تأیید نمی‌کنند و افرادی که ارزش‌های مذهبی دارند کمتر احتمال دارد مرتکب انجام آن شوند (Kraaykamp, 2002). ماهونی اظهار می‌دارد که

نباشد، اما مانعی برای تعهد زناشویی در بسیاری از افراد است. با وجود این، به سبب اینکه ارزش‌های مذهبی، معمولاً متأثر از برداشت‌های شخصی فرد قرار می‌گیرند، هنگام ارائه آموزه‌های مبتنی بر ارزش‌شناسی مذهبی باید متذکر شد که افراد بر ماهیت اصلی خود ارزش‌های مذهبی تأکید کنند و برداشت‌های شخصی خود را از آنها ارائه ندهند، تا بدین ترتیب دچار تعارض‌های بیشتری نشوند.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان نتیجه‌گیری کرد که ارائه آموزه‌های مذهبی مبتنی بر ارزش‌شناسی اسلامی شیوه مناسبی برای افزایش رضایت زناشویی زوج‌هاست، هرچند باید دقت داشت که هنگام ارائه آموزه‌های ارزش‌شناسی اسلامی، زوج‌ها متأثر از برداشت‌های فردی خود از ارزش‌های اسلامی نشوند. برای رفع این مشکل بهتر است هنگام ارائه آموزه‌های ارزش‌شناسی اسلامی از منابع معتبر اسلامی مانند قرآن و احادیث بهره برد و برداشت فردی خود را از ارزش‌شناسی اسلامی ارائه نداد. اهمیت این مسئله هنگامی نمود می‌یابد که مطالعات نشان می‌دهد جامعه فعلی در معرض الگوهای آسیب‌پذیر ارزش‌شناسی در میان جوانان است که انتخاب و ادامه زندگی زناشویی آنان را با مشکل روبه‌رو می‌کند (کاظمی و نیازی، ۱۳۸۹؛ بنی‌فاطمه و طاهری، ۱۳۸۸). با وجود این، محدودیت مطالعات کمی و کیفی در زمینه ارزش‌شناسی اسلامی در ایران سبب شده است که مبنای نظری مناسب برای ارائه الگوهای مداخله‌ای آموزه‌های ارزش‌شناسی اسلامی وجود نداشته باشد. ازجمله محدودیت‌های پژوهش پیش رو نیز این بود که برنامه مداخله‌ای ارائه‌شده، بر مبنای تنها یک مطالعه کیفی و منابع محدود کتابخانه‌ای طراحی شده بود. با توجه به این محدودیت، پیشنهاد می‌شود مطالعات تجربی بیشتری درباره شناسایی الگوهای ارزش‌شناسی اسلامی که با پیامدهای مثبت در زندگی زناشویی همراهان یا بررسی الگوهای ارزش‌شناسی مذهبی زوج‌های موفق انجام شود تا بتوان با تکیه بر یافته‌های آنها، الگوهای مداخله‌ای دقیق‌تری طراحی کرد. جامعه پژوهش حاضر فقط به زنان متأهل محدود می‌شد، بنابراین برای تعمیم بهتر نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی، اثربخشی آموزه‌های مبتنی بر ارزش‌شناسی اسلامی را در زوج‌ها و مردان متأهل نیز بررسی کند. از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که در یک جامعه نسبتاً مذهبی و با الگوهای فرهنگی سنتی انجام شده بود، بنابراین پیشنهاد می‌شود اثربخشی الگوهای مداخله‌ای این مطالعه، در پژوهش‌های دیگری که در بافت‌های متفاوت فرهنگی و مذهبی انجام می‌شود نیز ارزیابی شود.

ارزش‌های مذهبی با ارزش‌هایی همچون تعهد مادام‌العمر در ازدواج، عشق ورزیدن، کمک‌کردن و مایه آرامش یکدیگر بودن زوج‌ها، مقدم بودن تمایلات زوجی به تمایلات فردی، الزام به رها نکردن همسر در وضعی که عوامل استرس‌انگیز بیرونی اتفاق می‌افتد، برای مثال، بیماری شدید یا مشکلات مالی، ارتباط دارد؛ بنابراین می‌تواند منجر به پیامدهای مثبتی در زندگی زناشویی شوند (Mahoney, 2005). همچنین مطالعات نشان می‌دهد که زوج‌های مذهبی ارزش ویژه‌ای برای وفاداری جنسی، اهمیت دادن به باروری، پرورش کودکان و تعادل مناسب نقش‌های جنسی در داخل و خارج از خانه قایل هستند (Bartkowski, 1997; Giblin, 1993; Lauer, 1985). در صورتی که زوج‌ها در این ارزش‌ها با هم هم‌پیمان باشند، پیامدهای مثبتی را در زندگی زناشویی همراه خواهد داشت. هرچه زوج‌ها دیدگاه‌های مشابه در ارزش‌های مذهبی داشته باشند و در سلسله مراتب اهداف ازدواج با یکدیگر اشتراک داشته باشند، هماهنگی میان آنان راحت‌تر به وجود می‌آید (Mahoney, 2005).

با وجود این، ارزش‌های مذهبی همیشه به پیامدهای مثبتی در زندگی زناشویی منجر نمی‌شوند. وقتی هریک از زوجین برداشت شخصی خاص خود را از یک ارزش مذهبی داشته باشد و این برداشت‌ها با دیگری همسو نباشند، ممکن است منجر به بروز تعارضات زناشویی در میان آنان شود. کورتیز و الیسون (Curtis and Ellison, 2002) گزارش کردند که تفاوت در ارزش‌های مذهبی همیشه با اختلاف نظر بیشتر در رابطه زناشویی ارتباط دارد که ممکن است توضیحی برای یافته کال و هیتون (Call and Heaton, 1997) باشد که دریافته‌اند خطر ازهم‌پاشیدگی زناشویی هنگامی که زن به‌طور منظم به ارزش‌های مذهبی توجه می‌کند و شوهرش هرگز به آنان توجهی ندارد، تقریباً سه برابر بیشتر می‌شود. به‌علاوه، الیسون و همکاران (Ellison et al, 1997) دریافت‌اند که تشابه نداشتن در ارزش‌های مذهبی با خطر بیشتر خشونت‌های خانگی ارتباط دارد. کورتیز و الیسون (Curtis and Ellison, 2002) دریافت‌اند که هنگامی که زن اعتقادات محافظه‌کارانه مسیحی بیشتری در مقایسه با شوهرش دارد، مشاجره‌های بیشتری میان آنان درباره چگونگی گذراندن زمان و رابطه با خویشاوندان صورت می‌گیرد و هنگامی که مرد محافظه‌کارتر از زن است، مشاجره‌های بیشتری درباره نحوه تربیت کودک میان زوج‌ها اتفاق می‌افتد. آنان گزارش کردند که اختلاف نظر به هر شکلی درباره کتاب مقدس با تعارض بیشتر در کارهای خانه و مسائل مالی ارتباط دارد (Curtis and Ellison, 2002). بر خلاف این مطالعات، شیهان و همکاران (Shehan et al, 1990) گزارش کردند که نبود تشابه مذهبی، رابطه معکوسی با رضایت زناشویی در نمونه‌ای مسیحی نداشت. بنابراین، نبود تشابه مذهبی ممکن است برای همه طبقات افراد مشکل‌زا

منابع

- God in their marriage, *The Review of Religious Research*, vol. 48. P: 141-155.
- Hui, S.A., Lindsey, C.R., & Elliott, T.R., (2007), Church attendance and marital commitment beliefs of undergraduate women, *Journal of Applied Psychology*, vol. 37. p: 501-514.
- Kraaykamp, G., (2002), Trends and Countertrends in Sexual Permissiveness: Three Decades of Attitude Change in the Netherlands 1965-1995, *Journal of Marriage and Family*, vol. 64(1). P: 225-239.
- Lambert, N.M., & Dolahite, D.C., (2006), How religiosity helps couples prevent, resolve, and overcome marital conflict, *Family Relations*, vol. 55. P: 439-449.
- Lambert, N.M., & Dollahite, D.C., (2007), The Threefold Cord : Marital Commitment in Religious Couples, *Journal of Family Issues*, vol. 29(5). P: 592-614.
- Larson, L.E., & Goltz, J.W., (1989), Religious participation and marital commitment, *Review of Religious Research*, vol. 30. P: 387-400.
- Lauer, E.F., (1985), The holiness of marriage: Some new perspectives from recent sacramental theology, *Studies in Formative Spirituality*, vol. 6. P: 215-226.
- Mahoney, A., Pargament, K.I., Jewell, T., Swank, A. B., Scott, E., Emery, E., & Rye, M., (1999), Marriage and the spiritual realm: The role of proximal and distal religious constructs in marital functioning, *Journal of Family Psychology*, vol. 13. P: 1-18.
- Mahoney, A., Pargament, K.I., Murray-Swank, A.B., & Murray-Swank, N., (2003), Sanctification of family relationships, *Review of Religious Research*, vol. 44. P: 220-236.
- Mahoney, A., (2005), Religion and Conflict in Marital and Parent-Child Relationships, *Journal of Social Issues*, vol 61(4). p: 689-706.
- Mosher, W.D., Williams, L.B., & Johnson, D.P., (1992), Religion and fertility in the United States: New patterns, *Demography*, vol. 29. P: 199-214.
- Pargament, K.L., & Mahoney, A., (2005), Sacred matters: Sanctification as a vital topic for the psychology of religion, *International Journal for the Psychology of Religion*, vol. 15. p:179-198.
- Pargament, K.I., Murray, N., & Magyar, G., (2005), The sacred and the search for significance: Religion as a unique process. *Journal of Social Issues*, vol. 61(4). p: 665-687.
- Shehan, C.L., Bock, E.W., & Lee, G.R., (1990), Religious heterogamy, religiosity and marital happiness: The case of Catholics. *Journal of Marriage and Family*, vol. 52. p: 73-79.
- Sherkat, D.E., (2000), "That they be keepers of the home": The effect of conservative religion on early and late transitions into housewifery, *Review of Religious Research*, vol. 41. P: 344-358.
- Sanchez, L., Nock, S.L., Wright, J.D., & Gager, C.T., (2002), Setting the clock forward or back? Covenant marriage and the "divorce revolution", *Journal of Family Issues*, vol. 23. P: 91-120.
- Thornton, A., Axinn, W.G., & Hill, D.H., (1992), Reciprocal effects of religiosity, cohabitation, and marriage. *American Journal of Sociology*, vol. 98(3). P: 628-651.
- Thompson, E., & Colella, U., (1992), Cohabitation and marital stability: Quality or commitment? *Journal of Marriage and Family*, vol. 54(2). P: 259-267.
- Treas, J. & Giesen, D., (2000), Sexual Infidelity among Married and Cohabiting Americans, *Journal of Marriage and Family*, vol. 62(1). P: 48-60.
- Wade, L.D., & DeLamater, J.D., (2002), Relationship Dissolution as a Life Stage Transition: Effects on Sexual Attitudes and Behaviors, *Journal of Marriage and Family*, vol. 64(4), p: 898-914.
- Wilcox, B., (2007), As the family goes. *First Things: A Monthly Journal of Religion and Public Life*, vol. 173. P: 12-14.
- بنی‌فاطمه، حسین و دیگران، «تعیین عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با میزان رضایت از زندگی زناشویی در میان زنان متأهل شهر آذرشهر» (بهار ۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی*، ش ۱، ص ۳۰-۷.
- ثنایی، باقر (۱۳۷۹)، *مقیاس سنجش خانواده و ازدواج*، تهران، بعثت.
- حمید، نجمه و دیگران، «اثربخشی روان‌درمانی شناختی- رفتاری مذهب محور بر سازگاری زناشویی و سلامت روان زوج‌ها» (بهار و تابستان ۱۳۹۱)، *مطالعات اسلام و روانشناسی*، ش ۶، ص ۱۰۳-۸۵.
- رضابور میر صالح، یاسر (۱۳۹۲)، *ارائه الگوی مفهومی سازگاری زناشویی مبتنی بر تبیین ابعاد هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی در گفتگوهای تعاملی و درون شخصی زوج‌ها متقاضی طلاق و زوج‌ها برخوردار از سازگاری زناشویی و ارزیابی اثربخشی آن*، پایان‌نامه دکتری، مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- زاده‌وش، سمیه و دیگران، «بررسی اثربخشی گروه درمانی شناختی- رفتاری، با جهت‌گیری مذهبی بر رضایت زناشویی بانوان» (تابستان ۱۳۹۰)، *مطالعات روانشناسی بالینی*، ش ۳، ص ۴۱-۲۱.
- کاظمی، زهرا و صغری نیازی، «بررسی تاثیر عوامل فرهنگی بر الگوی ازدواج: مطالعه موردی: شهر شیراز» (تابستان ۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی ایران*، ش ۲، ص ۲۳-۳.
- فقیهی، علی‌نقی و فاطمه رفیعی‌مقدم، «بررسی میزان اثربخشی آموزش‌های روان‌شناختی مبتنی بر روایات اسلامی در رضایت زناشویی زوج‌ها» (پاییز ۱۳۸۸)، *روانشناسی و دین*، ش ۲، ص ۱۰۴-۸۹.
- منجری، فرزانه و دیگران، «اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی با رویکرد اسلامی بر رضایت‌مندی زناشویی زوج‌ها» (بهار ۱۳۹۱)، *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ش ۱۳، ص ۱۰-۳.
- Bartkowski, J., (1997), Debating patriarchy: Discursive disputes over spousal authority among Evangelical family commentators, *Journal for the Scientific Study of Religion*, vol. 36. P: 393-410.
- Booth, A., & Johnson, D., (1988), Premarital cohabitation and marital success, *Journal of Family Issues*, vol. 9. P: 255-272.
- Call, V.R., & Heaton, T.B., (1997), Religious influence on marital stability, *Journal for the Scientific Study of Religion*, vol. 36. P: 382-399.
- Curtis, K.T., & Ellison, C.G., (2002), Religious heterogamy and marital conflict: Findings from the national survey of families and households, *Journal of Family Issues*, vol. 23. P: 551-576.
- Dollahite, D.C., & Lambert, N.M., (2007), Forsaking all others: How religious involvement promotes marital fidelity in Christian, Jewish, and Muslim couples, *Review of Religious Research*, vol. 48(3). P: 290-307.
- Ellison, C.G., Bartkowski, J.P., & Anderson, K.L., (1999), Are there religious variations in domestic violence? *Journal of Family Issues*, vol. 20. P: 87-113.
- Ellison, C.G., & Bartkowski, J.P., (2002), Conservative Protestantism and the division of household labor among married couples. *Journal of Family Issues*, vol. 23. P: 950-985.
- Gay, D.A., Ellison, C.G., & Powers, D.A., (1996), In search of denominational subcultures: Religious affiliation and "pro-family" issues revisited, *Review of Religious Research*, vol. 38. P: 3-17.
- Giblin, R., Marital conflict and marital spirituality. In R. J. Wicks & R. D. Parsons (Eds.), *Clinical handbook of pastoral counseling* (Vol. 2, pp. 313-328). New York: Paulist Press, 1993.
- Goodman, M.A., & Dollahite, D.C., (2006), How religious couples perceive the influence of